

دستورالعمل پدیدآوران



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی (شهید مطهری)
پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان

مقاصد الشریعة در متون فقهی معاصر امامیه

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا علمی

استاد مشاور:

دکتر سید محمدتقی قبولی

نام دانشجو:

زینب سادات افقهی

زمستان ۹۲

تقدیم

تقدیم به پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ که آقائوس بی سائل ارزشها و تبلور هدایت اند.
و تقدیم به آخرین حجت و موعود الهی و راز بزرگ آفرینش، حضرت بقیة الله اروا و اخافداه، که زخم خورشید افلاک را با طلوع دمان، بخش خویش مرهم خواهد نمود.

تقدیر و تشکر

* حمد و سپاس پروردگار مهربان را که زبان از ادای شکرش قاصر است.

* بانهایت قدردانی از استاد ارجمند- جناب دکتر محمد رضا علمی- که با سرمایه غنی علمیشان بار، بنمودهای سازنده خود مرایاری نمودند.

* بانهایت سپاس از استاد کرامی- جناب دکتر سید محمد تقی قبولی- که در نوشتن این پژوهش با صبر و حوصله مراجعات کردند.

* با سپاس فراوان ز تمام استیدی که در روند این پژوهش مرایاری نمودند.

* با تشکر و قدردانی از خانواده عزیزم که مهربانانه در تمام مراحل زندگی یاریم کردند.



بسمه تعالی

مشخصات رساله / پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله / پایان نامه: مقاصد الشریعه در متون فقهی معاصر امامیه

نام نویسنده: زینب سادات افقهی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر محمدرضا علمی

نام استاد(ان) مشاور: دکتر سید محمدتقی قبولی

رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی

گروه: الهیات و معارف
اسلامی

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
(شهید مطهری)

تاریخ دفاع:

تاریخ تصویب:

تعداد صفحات: ۱۳۸

دکتری

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

چکیده رساله / پایان نامه :

در این پایان نامه ابتدا با ارائه‌ی تعریفی نسبتاً کامل از مسأله مقاصد شریعت به بیان دیدگاه فقها و علمای مذاهب اسلامی، پرداختیم. سپس مواضع علمای امامیه را در اصول فقه و قواعد فقه بیان کردیم و در آخر با بیان مثال‌هایی از فقه امامیه، توجه فقهای شیعه را به بحث مقاصد شریعت نشان دادیم. و در آخر، اهمیت بحث مقاصد در مسائل مستحدثه و نوآوری‌های آن آشکار گردید. در واقع منظور از این تحقیق، نمایش بخشی از اهمیت مبحث مقاصد شارع در فقه امامیه است که متأسفانه واژه‌ی آن صرفاً به خاطر شباهات به بحث‌های اصولی اشتباه عامه در شیعه به صورت تئوری کمتر مورد بحث قرار گرفته است. اما همان‌طور که در قسمتی از این پایان نامه با آوردن مثال‌های فقهی متعددی می‌فهمیم که توجه به مقاصد شریعت در اجتهاد فقهای امامیه، یکی از مسائل بنیادین فتاوی علمای می‌باشد. به خصوص در مسائل مستحدثه که فقیه با رسیدن به مقصد اصلی شارع از طریق نصوص به راحتی دست به فتوا می‌دهد.

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

کلید واژه:

۱. مقاصد شریعت

۲. مصالح

۳. شارع

۴. علل الشرایع

۵. اجتهاد اهل سنت

۱	تعریف مسأله
۲	سابقه تحقیق
۳	هدف تحقیق
۵	سوالات اصلی تحقیق
۵	فرضیه‌ها
۷	روش انجام تحقیق
۸	نمای کلی تحقیق
۹	فصل اول- کلیات و مفاهیم، واژگان شناسی، پیشینه‌ی موضوع
۱۰	تعریف مقاصد
۱۵	تعریف شریعت
۲۰	مقاصد شریعت
۲۴	متون فقهی امامیه معاصر
۲۶	تاریخچه بحث مقاصد
۲۹	ضرورت بحث
۳۲	اهداف بحث
۳۴	مبحث اول- راه‌های اثبات مقاصد الشریعة
۳۵	قرآن
۳۵	حدیث

۳۷	عقل
۳۹	استقراء
۴۰	مبحث دوم- راه‌های شناخت مقاصد الشریعة
۴۱	الف: شناخت مقاصد بر اساس قواعد زبان عربی
۴۱	ب: اوامر و نواهی شرعی
۴۱	ج: شناخت مقاصد اصلی از مقاصد تبعی
۴۱	د: سکوت شارع
۴۲	ه: استقراء
۴۴	مبحث سوم- تقسیم مقاصد به اقسام مختلف
۴۴	گفتار اول: مقاصد عام و خاص
۴۶	گفتار دوم: مقاصد کلی و جزئی
۴۸	گفتار سوم: ضروریات، حاجیات، تحسینات
۵۰	گفتار چهارم: مقاصد شارع، مقاصد مکلفان
۵۳	فصل دوم- بحث مقاصد در اصول و قواعد فقه امامیه
۵۶	مبحث اول- استعمال مفاهیم مشابه مقاصد در اصول امامیه
۵۷	گفتار اول: مقاصد شریعت و مذاق شریعت
۶۰	گفتار دوم: مقاصد الشریعة و ملاکات و تعالیل احکام
۶۳	گفتار سوم: مناسبت حکم و موضوع و الغای خصوصیت

۶۶	گفتار چهارم: مقاصد شریعت و مصلحت و حکمت
۷۰	مبحث دوم - قواعد مستخرج از مقاصد در امامیه
۷۷	فصل سوم - مقاصد الشریعة در فقه امامیه
۸۴	مبحث اول - عبادات
۸۵	گفتار اول: اجتهاد و تقلید
۸۶	گفتار دوم: طهارت
۹۱	گفتار سوم: صلات
۹۳	گفتار چهارم: زکات
۹۵	گفتار پنجم: صوم
۹۵	گفتار ششم: نذر
۹۶	گفتار هفتم: دیگر ابواب
۹۷	مبحث دوم - عقود و ایقاعات
۹۷	گفتار اول: قضاوت
۹۹	گفتار دوم: شهادت
۱۰۰	گفتار سوم: مکاسب محرمة
۱۰۳	گفتار چهارم: بیع
۱۰۹	گفتار ششم: ضمان
۱۱۲	گفتار هفتم: مزارعة و مساقات

۱۱۴	گفتار هشتم: وکالت
۱۱۴	گفتار نهم: مزارعة و مساقات
۱۱۵	گفتار دهم: وصیت
۱۱۵	گفتار یازدهم: نکاح
۱۱۷	گفتار دوازدهم: أطمعة و أشربة
۱۱۸	گفتار سیزدهم: عقود دیگر
۱۲۱	مبحث سوم - امور کیفری
۱۲۲	گفتار اول: جزیه
۱۲۳	گفتار دوم: حدود
۱۲۷	گفتار سوم: اقرار
۱۲۷	گفتار چهارم: قصاص
۱۲۸	گفتار پنجم: قسامة
۱۲۹	مبحث چهارم - نوآوری‌های مقاصد شریعت در فقه امامیه
۱۳۵	نتیجه گیری
۱۴۰	منابع

تعریف مسئله

قصد در لغت یعنی اعتماد و توجه و استقامت طریق

قصد شارع از تشریح احکام عموماً و خصوصاً تحقیق مصالح مردم است، برای جلب منفعت آنها و دفع ضرر از آنها و مصالح مردم یا از امور ضروری برای آنهاست یا از امور حاجی یا از امور تحسینی که اگر از ضروریات باشد خود یا به خاطر حفظ دین یا حفظ نفس یا حفظ عقل یا حفظ عرض و ناموس یا حفظ مال است. علم مقاصد الشریعة دانستن اهداف خداوند (شارع) از شریعت اسلام و احکام اسلامی است.

غزالی مقاصد شریعت را سه قسم می‌داند؛

ضروریات: آنچه برای قیام حیات مردم و استقامت مصالح‌شان ضروری است به‌طوری که اگر نباشد نظام حیاتشان مختل می‌شود و منجر به فساد می‌شود. این ضروریات خود پنج قسم‌اند؛ دین، نفس، نسل، عقل، عرض و مال.

حاجیات: اموری که حیات مردم را آسان می‌کند و حرج و مشقتی که مختل نظام حیاتشان نیست را از آنها برمی‌دارد، به‌طوری که اگر رعایت نشود بر مکلفان حرج و مشقت وارد می‌شود، البته به حد فساد عادی که از مصالح عامه متوقع است نمی‌رسد.

تحسینیات: اموری که حیات با آن زیبا می‌شود از آداب و سیره‌ها که اگر نباشد حیات مردم مورد اکراه عقل و فطرت سلیم می‌شود که این امور به مکارم اخلاق و محاسن عادات برمی‌گردد.

اهل سنت گاه به جای کلمه‌ی مقاصد الشریعة تعبیرات دیگری به همین معنا بکار می‌برند، از قبیل مبدأ شرعی، معانی احکام، حکمت، علت، سرّ، داعی، وصف مؤثر، موجب، مستدعی، مناط، ملاک احکام. و امامیه نیز گاه تعبیر حکمت و علت را به این معنا بکار برده‌اند. ملاک احکام همان علت اثباتی و منشأ جعل حکم شرعی است در واقع علتی که شارع از جعل حکم قصد کرده است همان ملاک حکم است. حکمت نیز مصلحت یا مفسده‌ای است که شارع برای دستیابی بدان حکم را تشریح کرده است می‌باشد. در واقع مصلحت و مفسده‌ی قصد شارع از جعل حکم همان حکمت

است. لذا مقاصد شارع در جعل احکام به دو قسم ملاکات احکام و حکمت‌های احکام تقسیم می‌شود.

مقاصد الشریعة در اصول اهل سنت از منابع اجتهادی است و البته علم مقاصد الشریعة نه تنها به فقه و اصول بلکه به علم کلام و اخلاق (در بحث تحسینیات که در این پایان نامه بدان اشاره خواهیم کرد) نیز کمک بزرگی کرده است. از آنجا که شیعه در مورد منابع اجتهادی غیر از منابع چهارگانه با احتیاط عمل می‌کند به عنوان مثال مصالح مرسله - که رابطه‌ای نزدیک با مقاصد الشریعة دارد و می‌توان گفت جزو زیرمجموعه مقاصد قرار می‌گیرد - را به عنوان منبع اجتهادی به سختی می‌پذیرد لذا توجه کمتری به علم مقاصد داشته است در حالی که تفکر مقاصدی از تفکرات پایه‌ای یک مسلمان و شیعه است با توجه به این که شیعه در قرون اخیر به اصول فقه و درکل فقه تطبیقی اهمیت زیادی داده است لذا تفکر مقاصدی گسترش یافته است و در آثار فقهی معاصر این تفکر انکار ناپذیر است. این پایان نامه با اشاره به تفکر مقاصدی در آثار فقهی معاصر امامیه قصد دارد تا اهمیت فکر مقاصدی و کمک فراوان آن را به فقه و اصول و درکل اجتهاد شیعه نشان دهد.

اقوال مختلفی در مورد فقه معاصر هست که قول مشهور آن از شیخ انصاری به بعد است که در این پایان نامه به قول مشهور عمل می‌شود.

سابقه تحقیق

علمای اهل سنت (از جمله احمد ریسونی و محمدطاهر ابن عاشور) تفکر مقاصدی را مربوط به زمان صحابه و بعد آن می‌دانند ولی این که کدام عالم این تفکر را به معنای اصطلاحی امروز بیان نمود تا حدی نامعلوم است ولی گفته می‌شود اولین کسی که این اصطلاح را به کاربرد و توجه ویژه‌ای در کتاب خود بدان داشته است ابوبکر قفال شاشی (قرن چهارم) معروف به قفال کبیر در کتاب محاسن الشریعة خود بوده است. همچنین ترمذی حکیم اولین کسی بود که لفظ مقاصد را در عنوان کتابش (الصلاة و مقاصدها) بکاربرد. و سپس فقیه امامیه شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع به این مسئله متوجه شده است. سپس ابو حسن عامری که تفکری فیلسوفانه در این مبحث داشت کتابی به نام الإعلام بمناقب الأسلام را تألیف نمود. امام جوینی را هم می‌توان از مؤسسان این مبحث دانست. در کل از علمای قدیم اهل سنت که به این بحث پرداخته اند: جوینی، ابو حامد غزالی، ابن رشد، ابن عربی، فخر رازی، آمدی، قرافی، طوفی، ابن تیمیه، ابن قیم، شاطبی در موافقات (که مؤسس

این علم دانسته شده است)، ابن عاشور در کتاب مقاصد الشریعة را می‌توان نام برد. البته ناگفته نماند که تألیفات اعم از کتب و مقالات از بزرگان اهل سنت در این زمینه بسیار است که مهمترین آنها را نام بردیم.

در میان علمای شیعه شیخ مفید در المقنعه، شیخ طوسی در مبسوط، علامه در مختلف الشیعة، محقق حلی در شرایع الاسلام، نجفی در جواهر، شیخ انصاری در مکاسب، کرکی در جامع المقاصد و ... به این بحث توجه زیادی داشته‌اند.

فقه‌های معاصر شیعه (از شیخ انصاری به بعد)، مخصوصاً با توجه به مسائل مستحدثه، تفکر مقاصدی را در جای جای آثار فقهی خود بیان می‌کنند. در بحث عبادات، تفکر مقاصدی همیشه پیش رو و علمدار است، لذا همیشه به قصد شارع توجه می‌شود؛ مثلاً در مسئله وجوب یا عدم وجوب پرداخت زکات به مؤلفه قلوبهم، یا فرار از زکات، و در کل استعمال حیل شرعی که امام خمینی به تبع از استادش مرحوم بروجردی در حیل شرعی ربا علی رغم وجود روایات صحیح در باب جواز آن را منافی با قصد شارع از تحریم ربا می‌داند و تعجب دارد که علما قصد شارع را نادیده گرفته و آن را جایز می‌شمارند. مواردی همچون طهارت و نجاست اهل کتاب، حرمت احتکار، ذبح با نحاس و ذهب و فضّه توجه به قصد شارع را در دلایل فتوای خود آورده‌اند. یا در مواردی (همچون خیار شرط) عدم تعارض آن با قصد شارع را دلیل اصلی بیان می‌کنند. یا در باب حدود توجه به مقصد شارع که پوشاندن عیوب مردم و عدم اشاعه فحشاء را بسیار مهم دانسته و براساس آن فتوا صادر می‌کنند. این‌ها اندک مثال‌هایی بود از وجود تفکر مقاصدی در فقه امامیه بخصوص در عصر معاصر. با دقت بیشتر می‌توان دید که فقه امامیه بخصوص در چند قرن اخیر با تفکر مقاصدی عجین شده است. غیر از امام خمینی که سرآمد بحث مقاصد شریعت در فقه‌های معاصر امامیه است، از دیگر فقیهانی که در این بحث بسیار کار کرده است می‌توان محمد جواد مغنیه را نام برد و فقه‌هایی دیگر از جمله آقا رضا همدانی، سید حکیم، آیت الله گلپایگانی، آیت الله سید محمد صادق روحانی و ... که نسبت به فقه‌های دوره‌ی خود توجه بیشتری به بحث مقاصد شریعت داشته‌اند را می‌توان نام برد.

هدف تحقیق

فهمیدن قصد شارع کمک‌های زیادی به ما در فقه می‌کند؛ باعث می‌شود از میان معانی مختلف الفاظ، معنای مقصود شارع را بدانیم (بدین معنا که مثلاً بفهمیم آیا امری که مولا کرده است دلالت بر فور

دارد یا تراخی...)، در تعارض بین نصوص و قوف به مقصد شارع مشکل را حل می‌کند (البته به شرط این‌که مجتهد، قصد شارع را دریابد که برای مسئله نماز جمعه در زمان غیبت، می‌تواند راه‌گشای بزرگی باشد که قصد شارع از اقامه‌ی این نماز اجتماع مسلمین و حضور آن‌ها در جامعه می‌باشد...)، در وقایع مستحدثه که نصوصی در آن نداریم معرفت قصد شارع در شناخت احکام مربوط به واقعه کمک می‌کند (مثل بحث استنساخ که در فصل سوم بدان اشاره خواهیم کرد)، نصوص احکام شرعی را با دانستن قصد شارع از تشریح احکام می‌توان فهمید، فهم علل جزئیة برای احکام شرعی و معرفت مصالح مقصوده‌ی شارع.

در کل فهم قصد شارع ما را به ارزیابی هرچه بهتر از فقه می‌رساند و قواعد اصولی - فقهی جدیدی را در پیش روی ما می‌گذارد تا مسئله‌ی اجتهاد را تسهیل ببخشد. بی شک در فقه معاصر امامیه نقد و بررسی فقه و اصول عامه (و تطبیق آن با فقه و اصول امامیه) جایگاه ویژه‌ای یافته است و نقاط قوت و ضعف آن با ظرافت بیشتری بیان گردیده است، اما با وجود مصادیق زیاد مقاصد الشریعة عامه در فقه ما بحث و بررسی در مورد این مهم بسیار کم است در حالی که تفکر مقاصدی در آیات و روایات از طریق معصومین به ما تلقی گردیده است. لذا با توجه به اهمیت این مبحث در اجتهاد و فهم دقیق‌تر احکام چه خوب است که در فقه معاصر شیعه مصادیق آن را یافته و به جایگاه مهم آن دست یافت تا پایه‌ای گردد برای توجه بیشتر شیعه به تفکر مقاصدی و تعمق در شریعت.

همچنین در فقه ما تفکر مقصد گرایانه باید جایگاه ویژه‌ای پیدا کند چرا که بدون این تفکر و تعمق در فقه، فقه شیعه در مسائل مستحدثه و خصوصاً فقه حکومتی باز می‌ماند. این پایان نامه با مروری بر فقه مقاصدی در شیعه، اهمیت آن را در تفکر شیعه و خصوصاً احتیاج شیعه به تفکر مقاصدی و مکتب مقاصدگرایانه در دنیای امروز را تا حدی نشان خواهد داد. این پایان نامه می‌تواند در جهت تقریب مذاهب کمکی کوچک کند. نقاط قوت و ضعف این علم را شناسایی کند و نقاط مثبت را در کمک به فقه امامیه استفاده کرد. و راهبردهایی برای نقاط منفی آن پیدا کرد. تا بتوان کمکی به اجتهاد امامیه کند. همچنین با بیان مصادیقی چند از این مبحث در فقه امامیه، به اهمیت این بحث در فقه امامیه و توجه کم محققان امامیه به این مبحث پی می‌بریم. امید است که این پایان نامه توجه محققان و علمای امامیه را به این مبحث بیشتر کند تا به بهبودی و فهم عمیق‌تر فقه شیعه کمک کند

سوالات اصلی تحقیق

۱. مقاصد الشریعہ به چه معناست؟

۲. اقسام مقاصد چیست؟

۳. راه‌های شناخت و اثبات مقاصد الشریعہ چیست؟

۴. آیا در فقه معاصر امامیه مقاصد الشریعہ جایگاهی دارد؟

۴-۱. آیا به مقاصد شریعت به مثابه‌ی ملاکات احکام نظر می‌شود؟ و نسبت بین این دو چیست؟

۴-۲. آیا به مقاصد شریعت به مثابه پایه‌ای در استنباط و مدرکی از مدارک حکم نظر شده است؟

۴-۳. در تعارض بین نص و مقصد شرع کدام مقدم است؟ و آیا مثالی در این مورد هست؟

۴-۴. آیا در تشخیص مقاصد شرع بایستی به نص بسنده کرد یا عقل را هم در آن دخلی است؟

فرضیه‌ها

۱. مقاصد الشریعہ یعنی آنچه شارع از تشریح احکام عموماً و خصوصاً، برای تحقیق مصالح مردم رعایت کرده است. خداوند حکیم است و کاری را بی هدف و لغو انجام نمی‌دهد و بالاترین هدف او از تشریح احکام جلب مصلحت و دفع مفسده از بندگان خود است. لذا مقاصد و مصالح باید در استنباط احکام لحاظ گردد تا اهداف رسالت الهی محقق گردد.

۲. مقاصد را می‌توان به اعتبارات مختلف به اقسام مختلف تقسیم نمود اما مهمترین این اعتبارات دو امر است. مقاصد از لحاظ برگشت به قصد شارع و مقاصد عامه‌ی تشریح و برگشت به قصد مکلف و مقاصد خاصه و معاملات مردم به مقاصد عامه و خاصه تقسیم می‌شود. همچنین از لحاظ رتبه به ضروریات (حفظ دین، نفس، عقل، عرض، مال)، حاجیات و تحسینات تقسیم می‌شود که هر رتبه مقدم بر دیگری است.

۳. آیات زیادی داریم که دلالت بر وضع شریعت برای مصالح عباد می‌کند و در مورد علل تفصیلی احکام جزئی هم آیاتی بسیار داریم. همچنین روایاتی نبوی که منظورش مقاصد شارع باشد بسیار

داریم. همچنین علمای اهل سنت دلایلی عقلی به خصوص آنان که در زمینه‌ی کلامی این مبحث کار کرده‌اند آورده‌اند. و به نظر میرسد تمامی علمای اهل سنت غیر از ظاهریه این مطلب را قبول دارند لذا می‌توان ادعای اجماع نیز نمود.

۴. علمای متقدم امامیه به این موضوع توجه بسیار داشته‌اند و بعضاً کتاب‌های خود را (متأثر از علمای سنی) با این نام (مانند شرایع الاسلام، جامع المقاصد و...) می‌نامیدند. البته این مبحث را با عنوان کلی مقاصد شریعت اسلامی، علمای اسلام چه عامه چه امامیه و چه ظاهریه و ... قبول دارند اما بحث تخصصی آن به عنوان علمی برای اجتهاد، بعضی از مبانی آن را شیعه نمی‌پذیرد لذا به طور فنی و تخصصی در کتاب خود در مورد آن بحث نمی‌کنند. البته مقالاتی در این امامیه تخصصاً در این باب نگارش شده است.

جایگاه مقاصد الشریعة در فقه امامیه و موارد آن انکار ناپذیر است. البته با توجه به تلاش علمای پیشین و ساخت مکتبی گسترده و وسیع فقهی - اصولی و استحکام پایه‌ی فقهی - اصولی مذهب شیعه، فقه معاصر بحث‌های علما و محققین عمقی‌تر و مفهومی‌تر گردیده است و همان‌طور که می‌دانیم محور اصلی مقاصد الشریعة توجه عمقی مفهومی به احکام و مذهب است. لذا در فقه معاصر علمای شیعه به این مهم توجه بیشتری کرده و بدان پر و بال بیشتری می‌دهند. علاوه بر این که توجه به جایگاه فعلی مقاصد الشریعة در امامیه کارآمدتر از بحث و بررسی آن در متون فقهی متقدمین است.

۴-۱. راه‌های تشخیص ملاکات احکام دو قسم است، راه‌های قطعی و ظنی؛ راه‌های قطعی کشف ملاک، راه‌های قطعی کشف ملاک، راه‌هایی هستند که مجتهد را به طور یقینی به علت حکم رهنمون می‌سازند هر هنگام این قطع برای مجتهد پیش آمد، این تشخیص ملاک برای او حجت است و آن ملاک می‌تواند علت تامه آن حکم باشد مثل قیاس مستنبط العلة یا منصوص العلة. اما در تشخیص ملاک ظنی این قطع برای مجتهد پیش نمی‌آید و فقط مجتهد می‌تواند علت ناقصه حکم را بفهمد. شاید بتوان گفت اکثر علمای عامه در مورد مقاصد شریعت افراط کرده‌اند و علل ناقصه‌ی احکام را قصد اصلی شارع دانسته‌اند و آن را حجت شمرده‌اند، اما به نظر می‌رسد ملاکات احکامی که علت تامه احکام را تشکیل دهند آن ملاکات قصد اصلی شارع از تشریح آن حکم است لذا می‌توان مقاصد الشریعة را به مثابه‌ی ملاکات تامه احکام دانست. و به نظر می‌رسد که مقاصد الشریعة اعم من وجه از

ملاکات احکام باشد؛ از طرفی فقط ملاکات تامه‌ی احکام را می‌توان مساوی با مقاصد دانست و از طرفی مقاصد الشریعة اعم است از ملاکات تامه‌ی احکام و حکمت الهی.

۲-۴. موارد متعددی در فقه امامیه داریم که مجتهد مذاق شارع را پایه‌ای برای استنباط احکام قرار داده است (اگر قصد شارع را با مذاق برابر بدانیم). برای مثال آیت الله خوئی در مسئله‌ی مرجع تقلید شدن زنان دلیل اصلی که آورده‌اند این است که این امر با مذاق شارع سازگاری ندارد. و مثال‌هایی از این نوع در فقه ما دیده می‌شود.

۳-۴. در تعارض بین نص و مقصد شارع باید به مورد به خصوص خودش بنگریم؛ در بعضی موارد هست که شارع توجه به قصد خود دارد و آن حکم را اصلاً به خاطر آن قصدش (که مطمئناً چیزی جز جلب مصلحت بندگان و دفع ضرر از آنان نیست) بر بندگان تکلیف کرده است که طبیعتاً در این جا قصد شارع مقدم بر نص می‌گردد برای مثال می‌توان در مورد حیل شرعی ربا به حکم امام خمینی نگریست که با توجه به وجود اخبار صحیحی که ظهور در جواز استعمال حیل شرعی ربا بوده‌اند با این وجود آن را منافی با قصد شارع از تحریم ربا دانسته است و از علمایی که حکم به جواز حیل شرعی ربا کرده‌اند تعجب می‌کنند که قصد شارع از تحریم ربا را نادیده گرفته‌اند.

۴-۴. در مورد این که آیا در مقاصد الشریعة می‌توان عقل را دخیل کرد یا خیر باید مقاصد شارع که همان ملاکات احکام هست و مقاصد شرعی که حکمت احکام هست از هم جدا کرد و به دو دسته تقسیم کرد. عقل در مقاصدی که ملاکات احکام را تشخیص می‌دهد از منظر علمای امامیه زیاد دخیل نیست و علمای امامیه در این مورد به نص بیشتر بسنده می‌کنند اگرچه گاهی عقل را هم در تشخیص ملاکات دخیل می‌دانند ولی آن را به تنهایی در تشخیص ملاکات کافی نمی‌دانند. اما در مقاصدی که حکمت احکام را تشخیص می‌دهد امامیه عقل را دخیل می‌دانند اما با این تفاوت که اکثر علمای امامیه در فقه به حکمت احکام در فتاوی خود توجه چندانی نمی‌کنند و بیشتر براساس مقاصد ملاکی احکام رأی می‌دهند.

روش انجام تحقیق

این تحقیق یک تحقیق اسنادی، مسئله پژوهشی، تبیینی است. با استفاده از کتاب‌های اهل سنت و امامیه در این مورد، و مقالاتی که در این مجتبی تألیف شده است و سایت‌هایی در رابطه با این

موضوع انجام می‌پذیرد. همچنین با استفاده از چند پایان نامه در موضوعاتی مشابه صورت گرفته است.

نمای کلی تحقیق

مقدمه

فصل اول- کلیات و مفاهیم، واژگان شناسی، پیشینه‌ی موضوع و ...

مبحث اول- راه‌های اثبات مقاصد الشریعة

مبحث دوم- اقسام مقاصد به مهمترین اعتبارات

فصل دوم- بحث مقاصد در اصول و قواعد فقه امامیه

مبحث اول- استعمال مفاهیم مشابه مقاصد در اصول امامیه

گفتار اول- مقاصد الشریعة و ملاکات و تعالیل احکام

گفتار دوم- مقاصد الشریعة و مصلحت و حکمت

مبحث دوم- قواعد مستخرج از مقاصد در امامیه

فصل سوم - مقاصد الشریعة در فقه معاصر امامیه

مبحث اول- بررسی متون فقهی علمای معاصر (بعد از شیخ انصاری)

گفتار اول- مقاصد در فقه عبادات

گفتار دوم- مقاصد در فقه عقود و ایقاعات

گفتار سوم- مقاصد در فقه کیفری

مبحث دوم- نوآوری‌های مقاصد شریعت در فقه امامیه

خاتمه

فصل اول - کلیات و مفاهیم، واژگان شناسی، پیشینه‌ی موضوع

هدف اصلی از پیدایش ادیان، تکامل انسان‌ها و قرب و نزدیکی بشر به خالق خود و تجلی یافتن صفات بارز الهی در اجتماعات بشری است. تا بوسیله‌ی ادیان، عدل الهی در زمین اجرا گردد و بشر با صلح و صمیمیت در کنار هم در رفاه کامل با رعایت قوانین الهی زندگی کنند. و دین اسلام، نمونه‌ی به تکامل رسیده‌ی این ادیان چه از لحاظ اعتقادی و چه از لحاظ دستورات و احکام است، که بعد از به بعثت رسیدن آخرین فرستاده‌ی الهی حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تبیین احکام الهی و انذار و تبشیر مردم آن‌ها را به سوی بالاترین هدف ادیان یعنی رسیدن به تکامل بشری فراخواند. و از آن‌جا که بشر هنوز احتیاج به یک امام و پیشرو برای بقای نهال اسلام و از بین نرفتن ریشه‌ی آن داشت، پیامبر اسلام، بعد از خود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلِيٌّ که پا به پای آن حضرت از ابتدای وحی تا انتهای آن بود و عالم‌ترین شخص به دقایق و نکات اسلام بود، خلیفه و جانشین قرار داد. وظیفه‌ی خطیر امامت بوسیله‌ی یازده امام دلسوز و فداکار سینه به سینه انتقال یافت، تا به امام زمان مهدی موعود عَلَيْهِ رسید، که متأسفانه به دلیل قصور مسلمانان، از دیده‌ها غایب است. و هم‌اکنون وظیفه‌ی نایبان عام امامت یعنی مجتهدان و فقیهان اسلامی است تا با جستجو در نصوص دینی و با کمک از ابزارهای لازم فقهی اصولی، احکام و قوانین الهی را بر مسلمانان آشکار سازند تا ان‌شاء الله تکامل اسلامی در مسلمانان بوجود آید و امام زمان حاضر شود و مدینه‌ی فاضله را تشکیل دهد.

یکی از مسائل اصلی و پر اهمیت در دانش فلسفه فقه، مقاصد شریعت و اهداف فقه می‌باشد. سوالاتی فروان در این بحث وجود دارد، از قبیل آیا فقه اسلامی اهداف و غایاتی را دنبال می‌کند؟ آیا می‌توان غایات و مقاصد فقه را شناخت؟ راه شناسایی و دستیابی به مقاصد فقه چیست؟ مقاصد اصلی و فرعی شریعت کدام است و چگونه می‌توان آن‌ها را رده بندی کرد؟ دانش مقاصد چه تأثیری در اجتهاد و استنباط دارد؟ و ... پاسخ به این پرسش‌ها دانش مقاصد را می‌سازد.

تعریف مقاصد

واژه مقاصد جمع مقصد می‌باشد و ریشه‌ی آن سه حرف قاف، صاد، دال می‌باشد (قَصَدَ). می‌توان برای قصد در لغت، معنای گوناگونی را پیدا کرد. برای نمونه، لغت‌شناسان برای این واژه به معنایی همچون: اعتماد و توجه، استقامت طریق، راستی و استواری، عدالت، میانه روی، تکیه کردن، در دسترس بودن، اراده‌ی چیزی را کردن، روی آوردن به چیزی، انباشته و فشرده شدن و پایه و اساس چیزی اشاره کرده‌اند.^۱ قَصَدْتُ الشَّيْءَ یعنی آن را جستجو کردم. (باب تفعیل) معنای میانه روی و جستن امر متقن و محکم دارد. گاهی قصد معنای راه یافتن و گاه آسان دارد.^۲ قصد با هدف و غرض و غایت همراه است.

«در قرآن نیز این واژه در آیه‌های گوناگونی بکاررفته است: برای نمونه در سوره نحل می‌فرماید:

﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾.^۳

واژه قصد در این آیه را می‌توان به معنای تبیین و روشنگری دانست و مقصود از «قَصْدُ السَّبِيلِ» راه راست و درستی است که در آن کجی و انحرافی نیست.^۴

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾.^۵

قرطبی در تفسیر این آیه می‌نویسد: قصد، حالت میانه روی و اعتدال میان کنندی و شتاب می‌باشد.^۶

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۵، ص ۵۴ و ۵۵؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۵۲۴ و ۵۲۵؛ ابن

فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۹۵؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳ و ۳۵۴

۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۰۴، ماده قصد

۳. «بر خداست که راه راست را به بندگان نشان دهد»، نحل، آیه ۹

۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ۱۴، ص ۱۱۳

۵. «پسرم در راه رفتن اعتدال را رعایت کن»، لقمان، آیه ۱۹

۶. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۷۱

قصد (باب تفعیل)، معنای میانه‌روی و جستن امر متقن و محکم را دارد. گاهی مقصد معنای راه یافتن و گاه آسان دارد.^۷

آنچه اصولیان و فقیهان در کاربرد لغوی این واژه می‌جویند، رو به سمت و سوی چیزی آوردن می‌باشد. بنابراین اگر گفته می‌شود مقاصد مکلفان و یا مقاصد شارع، چیزی غیر از همان امور باطنی درون اشیا نیست که می‌توان آن را جويا شد و به سمت و سوی آن رفت.^{۸، ۹} قصدگرایی ذهن آدمی را متوجه گردآوری دوگونه مقاصد شرعی می‌کند: یکی مقاصد شرع در خطابات و دیگری احکام و در این پژوهش اهم بحث ما قصد شارع در احکام می‌باشد.

«یکی بخشی که برای کلیت دین و از جمله تشریح مقررات، اهداف کلی را بیان می‌کند. برخی از این اهداف عبارتند از:

- تزکیه و پرورش، تعلیم و تربیت:

﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^{۱۰}

- اخراج از ظلمت و رساندن به نور (بصیرت) و بالا بردن بینش:

﴿هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾^{۱۱}

^۷ فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۰۴

^۸ کیلانی، عبدالرحمن، قواعد المقاصد عند الامام الشاطبی، ص ۴۴

^۹ به نقل از علی‌شاهی، ابولفضل، مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی، صص ۲۲۵ و ۲۲۶

^{۱۰} «پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ ...» بقره، ۱۲۹

^{۱۱} «او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش (= محمد) نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است.» حدید، ۹